



# Journal of Historical Sciences Studies (JHSS)



## Research Paper

doi 10.22059/JHSS.2022.338133.473534

## Analytical Study of the Performance of the Russian Mortgage Bank in the State of Astarabad (1900-1925AD /1318-1343AH)

Mina Moeini<sup>1</sup>, Aliakbar Jafari<sup>2, \*</sup>

1. Ph.D student of Islamic Iran History, University of Isfahan. E-Mail: [mnmoeini89@gmail.com](mailto:mnmoeini89@gmail.com)

2. Corresponding Author, Associate Professor of History at University of Isfahan. E-Mail: [a.jafari@ltr.ui.ac.ir](mailto:a.jafari@ltr.ui.ac.ir)

### Article Info.

**Received:** 2022/01/28

**Accepted:** 2022/12/17

#### Keywords:

*Mortgage bank, Astarabad, Bandar-e-Gaz, Russians, To give a loan, Occupation of Real estates.*

### Abstract

The establishment of the Russian Mortgage bank in Iran was the beginning of a new era in the development and hegemonic policies of this country in Iran, which had a profound effect on the political, economic and social infrastructures of this land. After the establishment of the central branch of the Mortgage Bank in Tehran, Russia gradually established its bank branches in important states, like the northern states of Iran expanding its economic and political influence. even more than before. Thanks to its geographical location, closeness, and relations with the Russians, Astarabad was given special attention, and was one of the first states to establish a branch of a Mortgage bank. However, this bank was established in the coastal city of Bandar-e-Gaz, which was the most important foreign trade port of Astarabad, not in the center of the state. What was the reason why that Bandar-e-Gaz was chosen as the location of the bank, its activities and operation in this state and how the bank influenced on the lives of the people of Astarabad are the two important research questions. The present study tries to deal with the above questions as well as, to inspect the performance of the Mortgage bank in this state. In an descriptive and analytical manner. Research findings show that in addition to monetary and financial activities, the Mortgage bank in Bandar-e-Gaz, , played such a political role exactly in the same line as the Russia and put force on people that the people set fire to the bank.

**How To Cite:** Moeini, M Jafari, A. (2022). Analytical Study of the Performance of the Russian Mortgage Bank in the State of Astarabad, Journal of Historical Sciences Studies (1900-1925AD /1318-1343AH),

**Publisher:** University Of Tehran Press.



## تحلیل و بررسی عملکرد شعبه بانک استقراضی روسیه در ایالت استرآباد (۱۳۱۸-۱۳۴۳ ه.ق / ۱۹۰۰-۱۹۲۵ م)

مینا معینی<sup>۱</sup>، دکتر علی اکبر جعفری<sup>۲\*</sup>

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اصفهان. رایانامه: [mnmocini89@gmail.com](mailto:mnmocini89@gmail.com)

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. رایانامه: [a.jafari@ltr.ui.ac.ir](mailto:a.jafari@ltr.ui.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۸	<p>تأسیس بانک استقراضی روس در ایران، آغاز فصل جدیدی از توسعه‌طلبی‌ها و سیاست‌های سلطه‌جویانه این کشور در ایران بود که بر ارکان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این سرزمین تأثیرات عمیقی گذاشت. پس از افتتاح شعبه مرکزی بانک استقراضی در تهران، روسیه به تدریج شعبه‌های بانک خود را در ایالات با اهمیت، از جمله ایالت‌های شمالی ایران، تأسیس کرد و بیش‌ازپیش، نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را توسعه داد. استرآباد به سبب موقعیت جغرافیایی‌اش و هم‌جواری و ارتباطی که با روسیه داشت، مورد توجه ویژه آن‌ها قرار گرفت و از اولین ایالت‌هایی بود که شعبه بانک استقراضی در آن تأسیس شد؛ اگرچه این بانک نه در مرکز این ایالت، بلکه در شهر ساحلی بندرگز که مهم‌ترین بندر تجارت خارجی استرآباد بود، تأسیس شد. چرایی انتخاب بندرگز به‌عنوان محل تأسیس بانک و فعالیت‌ها و کارکرد بانک در این ایالت و اینکه بانک چه تأثیری بر زندگی اهالی استرآباد گذاشت سوالات اصلی این پژوهش است. پژوهش حاضر ضمن پاسخ‌گویی به سوالات فوق، عملکرد بانک استقراضی در ایالت استرآباد را به‌شیوه توصیفی - تحلیلی و با روش اسنادی و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بانک استقراضی در بندرگز، علاوه بر آنکه فعالیت‌های پولی و مالی انجام می‌داد، اقدامات سیاسی نیز داشت و به پناهندگان و فراریان پناه می‌داد. همچنین در راستای اهداف سیاسی روسیه، ظلم و ستم فراوانی به اهالی روا داشت. همچنین در جهت سیاست دولت روسیه، که درصدد تصرف اراضی شمال ایران و جداکردن این مناطق از کشور بود، از هر فرصتی برای تصاحب املاک استفاده می‌کرد. نارضایتی مردم از فعالیت‌های بانک تا آنجا پیش رفت که آن‌ها را وادار به آتش‌زدن بانک نمود.</p>
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶	
واژه‌های کلیدی: بانک استقراضی، استرآباد، بندرگز، روس‌ها، اعطای قرض، تصرف املاک.	

استناد به این مقاله: معینی، مینا؛ جعفری، علی اکبر (۱۴۰۱). تحلیل و بررسی عملکرد شعبه بانک استقراضی روسیه در ایالت استرآباد (۱۳۱۸-۱۳۴۳ ه.ق / ۱۹۰۰-۱۹۲۵ م). فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، ۱۴(۳): ۶۹-۹۵.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

## مقدمه

تا قبل از تأسیس بانک شاهنشاهی انگلیس و بانک استقراضی روسیه، بانک به مفهوم و شکل اروپایی آن در ایران وجود نداشت. ایجاد بانک‌ها و مؤسسات مالی در ایران از سوی دول خارجی موجب نفوذ آن‌ها در بخش‌های اقتصادی کشور و حتی به کنترل درآوردن آن شد. همچنین به آن‌ها این امکان را داد تا در راه اهداف استعماری خود با مشکل کمتری روبه‌رو شوند. بانک استقراضی روس ابتدا در رقابت با بانک شاهنشاهی و با اهداف تجاری و پرداخت وام تأسیس شد، اما در ادامه، اهداف سیاسی و استعماری آن، پررنگ‌تر شد. توضیح اینکه وقتی به دلیل نداشتن سودآوری آن، پیشنهاد انحلالش داده شد، دولت روسیه از تعطیلی آن جلوگیری کرد و با مداخله وزارت مالیه روسیه، سهام آن به بانک پترزبورگ منتقل شد. از آن پس، بانک استقراضی عامل اجرای مقاصد سیاسی دولت روسیه شد و نقش مهمی در نفوذ و تسلط روسیه در ایالاتی که بانک در آن‌ها شعبه داشت، ایفا کرد.

درباره فعالیت‌های بانک استقراضی در ایران و مشخصاً در تهران، تاکنون آثار مختلفی به نگارش درآمده و نقش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن در کتاب‌ها و مقالات مورد بررسی قرار گرفته است (رک. شاهدی، ۱۳۸۱. عیسوی، ۱۳۶۲. کاظم‌زاده، ۱۳۷۱). اما آنچه کمتر به آن توجه شده، بررسی تأسیس و فعالیت‌های شعب این بانک در ایالت‌های مختلف ایران، به‌ویژه مناطق شمالی است. دایرشدن شعب بانک استقراضی در برخی شهرهای شمالی، به روند فعالیت‌های توسعه‌طلبانه و سلطه‌جویانه روس‌ها کمک شایانی کرد. در این میان، ایالت استرآباد به سبب موقعیت جغرافیایی خود و جایگاهی که از گذشته در مناسبات روسیه با ایران داشت، دارای اهمیت ویژه‌ای بود؛ اهمیتی که موجب شد روس‌ها علاوه بر تأسیس پادگان، کنسولگری، تلگراف‌خانه، بیمارستان و مدرسه در آنجا، به احداث شعبه بانک استقراضی نیز همت گمارند.

در این پژوهش تلاش شده تا عملکرد بانک استقراضی در این ایالت بررسی و تحلیل شود و تأثیری که بانک بر زندگی مردم استرآباد گذاشت، موردواکاوی و ارزیابی قرار گیرد.

## ۲. پیشینه پژوهش

تاکنون کتاب‌ها و مقالاتی درمورد استرآباد و حضور روس‌ها در این ایالت تألیف شده است، اما تعداد کمی از آن‌ها به‌صورت مختصر فعالیت‌های بانک استقراضی در این ایالت را بررسی کرده‌اند. کتاب تاریخ بانک استقراضی روس در ایران، مباحث جامعی درمورد چگونگی و دلایل شکل‌گیری این بانک، فعالیت‌های تجاری و اقتصادی آن و تشکیلات اداری مالی آن ارائه داده، اما درخصوص شعب مختلف بانک در سراسر کشور به بررسی و تحلیل دقیق نپرداخته است و اطلاعات او در این بخش

در باب شهرهای بزرگی همچون تهران کامل‌تر است. بنابراین به‌طور جامع و کامل به شعبه بانک استقراضی استرآباد پرداخته و راجع به آن به ارائه مطالبی پراکنده بسنده کرده است (شاهدی، ۱۳۸۱). همچنین کتاب «انقلاب مشروطه در استرآباد» با اینکه به‌طور مختصر به بانک استقراضی اشاره کرده، اما مطالب آن، تقریباً همان گزارش‌های وکیل‌الدوله است که بدون تحلیل و بررسی، آورده شده است (رک. معطوفی، ۱۳۸۴).

در این میان، مقالات زیادی در مورد بانک استقراضی تألیف شده است که اکثریت آن‌ها بانک استقراضی را از ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی به‌طور کلی بررسی کرده‌اند، و تقریباً بررسی یک شعبه خاص در یک شهر کمتر به چشم می‌خورد. مقاله «تحلیلی بر چگونگی تشکیل و عملکرد بانک استقراضی روس در ایران» از جمله همین مقالات است که به‌طور کلی به روند شکل‌گیری بانک استقراضی در ایران و عملکرد آن در ابعاد گوناگون پرداخته است و تنها به ذکر تعداد شعب بانک در سطح کشور و شهرهایی که در آن بانک تأسیس شد، بسنده کرده است (فصیحی‌زاده، ابطحی، ۱۳۹۳).

مقاله «بازخوانی نقش بانک استقراضی در اقتصاد ایران»، ضمن شرح‌دادن بسترهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بانک استقراضی روس، نقش این بانک را در اقتصاد ایران موردتجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. پرداختن به شعب بانک استقراضی در شهرهای مختلف به‌صورت جامع و جزئی، از جمله شعبه بانک استقراضی استرآباد، موضوعی است که در این مقاله همچون اکثر مقالاتی که در مورد بانک استقراضی تألیف شده، مغفول و نادیده گرفته شده است (دهقان‌نژاد، ۱۳۸۸).

در باب مقالاتی که به‌طور ویژه به شهر استرآباد پرداخته‌اند نیز موضوع بانک استقراضی در این ایالت چندان مورد توجه قرار نگرفته است. به‌طور مثال مقاله «تبیین مالکیت روس‌ها در سه شهر رشت، تبریز و استرآباد» حضور روس‌ها را از بُعد مالکیت در استرآباد بررسی کرده، اما اساس و شالوده آن، موضوع بانک استقراضی را در بر نمی‌گیرد (نورائی و آندریوا، ۱۳۸۸).

### ۱. تأسیس بانک استقراضی در ایران

در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه قاجار، رقابت دو دولت استعماری روس و انگلیس در ایران، جدی‌تر شد و گسترش چشمگیری یافت. آن‌ها از کوچک‌ترین فرصت برای گرفتن امتیازات گوناگون و دست‌یافتن به منابع و معادن، جنگل‌ها، گمرکات، راه‌ها و غیره استفاده کردند. رقابتی که این دو دولت در راه کسب امتیازات گوناگون با یکدیگر داشتند، در نوع خود جالب‌توجه و تنگاتنگ بود. علت

اصلی تأسیس بانک استقراضی در ایران نیز به رقابت همین دو قدرت استعماری بازمی‌گردد؛ چنان‌که بیشتر مورخان و نویسندگان بر آن تأکید کرده‌اند.<sup>۱</sup>

روس‌ها در دهه ۱۸۸۰ م / ۱۲۹۷-۱۳۰۷ م.ق معتقد بودند که کشورشان تابه‌حال اقدامی برای گسترش دایره تجارت خود با ایران انجام نداده است و از اینکه تجارت ایران در دست ارامنه افتاده، گله‌مند بودند (گزارش ایران از یک سیاح روس، ۱۳۶۳: ۱۷-۱۸). اما پیش از تأسیس بانک شاهنشاهی انگلیس در ایران، گزارشی از اینکه روس‌ها قصد تأسیس بانک در ایران را داشتند، وجود ندارد. از این‌رو گمان می‌رود که روس‌ها در فکر ایجاد بانک برای خود نبودند. آن‌ها پس از اطلاع از اعطای امتیاز بانک شاهنشاهی به تبعه انگلیس، شروع به اعتراض کردند و امین‌السلطان را که متهم بود باعث نفوذ انگلیسی‌ها در ایران شده است، مورد انتقاد شدید قرار دادند (امین‌الدوله، ۱۳۵۵: ۱۲۴).

درواقع هدفی که روس‌ها در ایران تعقیب می‌کردند، این بود که تمامیت ارضی ایران را حفظ کنند و به کشور دیگری اجازه ندهند بر آن تسلط یابند و سپس از طریق نفوذ مسالمت‌آمیز، ایران را در اختیار بگیرند (انتنر، ۱۳۶۹: ۸۰-۸۱). بنابراین، آن‌ها تلاش می‌کردند تا با کسب امتیاز و تأسیس بانک، ضمن نفوذ در ایران، مانع پیشرفت و فعالیت بانک انگلیس شوند و از فعالیت‌های بیشتر آن‌ها در ایران به نفع خود جلوگیری کنند.

سرانجام در سال ۱۳۰۷ م.ق / ۱۸۹۰ م یکی از اتباع روسی به‌نام لازار پولیاکوف با حمایت پرنس دالگورکی، وزیر مختار روسیه در تهران، امتیازنامه انجمن استقراضی ایران را که در سال ۱۳۰۹ م.ق / ۱۸۹۲ م بانک استقراضی ایران نامیده شد، برای مدت ۷۵ سال به دست آورد و در سال ۱۳۱۵ م.ق / ۱۸۹۷ م دولت روسیه، کلیه سهام بانک را خریداری کرد (اسنادی از اختلافات و دعاوی بانک ایران، ۱۳۸۰: ۵).

عمده‌ترین کار بانک، قرض‌دادن پول با شرایطی ساده و به مدت طولانی، به ایرانیان صاحب‌نفوذ و حامیان سیاست‌های روسیه بود. به‌طوری‌که در عرض ۱۳ سال، ۲۷ میلیون منات<sup>۲</sup> به درباریان و اعیان و علما قرض داد و به‌این‌ترتیب سلطه سیاسی امپراتوری روس در بین هیئت حاکمه را تحکیم کرد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴: ج ۲: ۷۲۶). همچنین با دادن وام و گرفتن بهره‌های سنگین، مردم را غارت می‌کرد (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۸).

در تأیید اهداف سیاسی تأسیس این بانک باید به نوشته‌های نصرت‌الدوله فیروز استناد کرد. به‌گفته او هنگامی که در سال ۱۹۱۹ م / ۱۳۳۸ م.ق هیئت ایرانی به کنفرانس صلح پاریس اعزام شد، شکایاتی مطرح کرد که به دو دسته تقسیم می‌شد. دسته اول شکایاتی بود که دلالت بر این داشت

۱. رک: مستوفی، ۱۳۸۴: ۴۵۴/۱؛ جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۱۰۴؛ انتنر، ۱۳۶۹: ۷۹-۸۱؛ گروته، ۱۳۶۹: ۲۸۶.

که روس‌ها به استقلال سیاسی، قضایی و اقتصادی ایران از طریق قراردادهای کنوانسیون‌ها، یادداشت‌ها، اولتیماتوم‌ها و امتیازات خدشه وارد ساختند. ذیل این دسته از شکایات اعلام کردند که امتیازاتی همچون راه‌آهن جلفای تبریز، بانک استقراضی، نفت و سایر معادن ایالات شمالی، امتیازاتی بودند که با هدف سیاسی گرفته شدند و شرایط آن با منافع اقتصادی ایران مغایرت داشت. (نصرت‌الدوله، ۱۳۹۶: ج ۱: ۳۲۰) سرپرسی سایکس نیز اشاره کرده که «بانک روس مثل یک آلت سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد» (سایکس، ۱۳۸۰: ج ۲: ۵۳۸).

اما روسیه تلاش می‌کرد با امتیازاتی که از ایران می‌گیرد تسهیلاتی در امر حمل‌ونقل کالا برای خودش ایجاد کند که گشایش بانک استقراضی در کشور در راستای چنین انگیزه‌ای بود. انجام عملیات بانکی و تجاری به‌منظور تسهیل روابط تجاری روسیه و ایران در زمینه گسترش بازار کالاهای روسی، از دیگر اهداف بانک استقراضی بود (اشرف، ۱۳۵۹: ۶۰). همچنین، بانک به منابع غنی ایران برای کسب ثروت بیشتر نیز چشم دوخته بود و توانست امتیازکشیدن خط آهن جلفا - تبریز را از دولت ایران بگیرد (جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۸۹).

بنابراین، بانک در سایر کشورها باعث افزایش ثروت و آسایش مردم بود، اما در ایران موجب خسارت و گرفتاری فراوانی شد و دولتمردان ایرانی برای مقابله با آن و نفوذ روس‌ها، اقدامی جدی انجام ندادند. به‌گفته نظام‌السلطنه: «عجیب‌تر این است که ابدأ ملتفت هیچ‌یک از این فقرات و بی‌پولی و هرج‌ومرج ولایات نیستیم و در مرکز سلطنت، مشغول دفع معاندین شخصی و در ولایات، مشغول أخذ عمل‌های پست و خریداری ملک با پول استقراضی از بانک» (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ج ۳: ۷۰۴).

## ۲. تأسیس شعبه بانک استقراضی در ایالت استرآباد

در منابع تاریخی درباره تعداد و تاریخ مشخص افتتاح شعب مختلف بانک استقراضی یا تعطیلی آن، اطلاعات دقیقی وجود ندارد. از این‌رو دقیقاً نمی‌توان مشخص کرد که شعبه بانک استقراضی در استرآباد، چه زمانی تأسیس و شروع به فعالیت کرده است. لیتن، تعداد شعب بانک استقراضی در ایران طی سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۲ ق/ ۱۹۱۳-۱۹۱۴ م، را ۱۳ شعبه دانسته که در این لیست، نامی از استرآباد دیده نمی‌شود (لیتن، ۱۳۶۷: ۱۱۹). عیسوی نیز در ذکر اسامی ۱۴ شعبه بانک استقراضی، اشاره‌ای به استرآباد نکرده است (عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۶۵). اما احمد اشرف معتقد است که در سال ۱۳۳۲ ق/ ۱۹۱۴ م، بانک شعباتی در شهرهای تهران، استرآباد، مشهد، رشت، تبریز داشت (اشرف، ۱۳۵۹: ۶۰). اتنر نیز اشاره کرده است که این بانک تا سال ۱۳۳۲ ق/ ۱۹۱۴ م در مناطق شمال ایران فعالیت داشت و شعبی در تهران، استرآباد، مشهد، رشت و تبریز ایجاد کرده بود. (اتنر، ۱۳۶۹: ۷۹)

با وجود این تنها در یادداشت‌های کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ضمن توصیف ناحیه بندرگز اشاره شده که شخصی به نام آقای روزنبلوم (Mr. Rosenblum) در سال ۱۳۲۵ ه.ق/۱۹۰۷ م یک شعبه بانک در استرآباد تأسیس کرده است (کارکنان وزارت جنگ انگلستان، ۱۳۸۰: ۱ ج: ۱۶۵).

بنابراین گمان می‌رود که شعبه بانک استقراضی استرآباد به سبب اهمیت این منطقه برای روس‌ها، در همان سال‌های ابتدایی و پس از اخذ امتیاز، تأسیس شده باشد. به‌ویژه آنکه استرآباد و بندرگز جزو اولین نواحی بودند که پس از رشت، به آنجا کنسول و نمایندگان کنسولی اعزام شد (کرزن، ۱۳۸۰: ۲ ج: ۷۰۲). از این رو، گزارش کارکنان وزارت جنگ انگلستان، در مورد سال تأسیس شعبه بندرگز، چندان دور از حقیقت نیست و افتتاح آن را باید پیش از سال ۱۳۳۲ ه.ق/۱۹۱۴ م دانست. ضمن اینکه در گزارش‌های وکیل‌الدوله از استرآباد، اولین خبر مربوط به بانک استقراضی، راجع به به ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ه.ق/امی ۱۹۰۸ م است (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ۱ ج: ۳۶). همچنین در همین گزارش‌ها به فعالیت‌های بانک در سال ۱۳۳۰ و ۱۳۳۳ ه.ق/۱۹۱۲ و ۱۹۱۵ م اشاره شده است (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ۱ ج: ۳۱۷، ۴۶۰). اما این بانک در سال ۱۳۳۲ ه.ق/۱۹۱۴ م به‌خاطر شروع جنگ جهانی اول و در سال ۱۳۳۵ ه.ق/۱۹۱۷ م به‌دلیل نداشتن پول، برای مدتی تعطیل شد (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ۱ ج: ۴۱۱ و ۲ ج: ۵۴۹-۵۴۸). بنابراین، شاید به همین خاطر است که در گزارش‌های لیتن و عیسوی نامی از شعبه بانک استقراضی استرآباد دیده نمی‌شود.

بانک استقراضی روسیه در بندرگز برای مدتی در محوطه کارخانه پنبه این شهر قرار داشت. سپس برای مدت کوتاهی در یک خانه چوبی استقرار یافت (معطوفی، ۱۳۹۴: ۳۲۰).

اعضا و مستخدمان بانک از حمایت سفارت روس برخوردار بودند و تحت نظارت نماینده تجارتي وزارت مالیه دولت روس قرار داشتند (تلگراف درخواست بهره‌مندشدن مستخدمین بانک استقراضی از فصل ششم عهدنامه مقدسه، k19-p17-27: برگ). از اسامی افرادی که در این بانک فعالیت می‌کردند، از جمله رؤسای آن، اطلاعی در دست نیست. فقط در منابع به‌نام یک ایرانی، یعنی میرزا علی‌اکبر خان اشاره شده. او گماشته و نماینده سپهدار تنکابنی در منطقه بود و در مقام «منشی بانک استقراضی روس» معرفی شده است (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ۱ ج: ۳۱۳). وی از جمله کسانی بود که برای پیشبرد اهدافش در منطقه، خود را به روس‌ها نزدیک ساخت و از قبل پشتیبانی آن‌ها، هرکاری که باب میلش بود، انجام می‌داد. او ظاهراً آن‌قدر مورداعتماد روس‌ها قرار گرفت که گاهی در ملاقات‌های مهم، همراه کنسول می‌رفت و به‌واسطه حمایت روس‌ها، اعتبار و نفوذ زیادی در منطقه به دست آورد. به‌طوری‌که مثلاً قرا انزان (گز) را ده‌ساله به مبلغ ۱۲۰ هزار تومان به قهارخان سالار اشجع اجاره داد. یا اینکه در همه امور دخالت می‌کرد و قصد داشت همه صاحب‌منصبان و اهالی

استرآباد را تحت فرمان خود درآورد (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۱: ۳۸۲، ۳۷۰). با این حال، مشخص نیست که وی در کسوت منشی بانک استقراضی چه فعالیت‌هایی برای بانک انجام می‌داده است.

### ۳. موقعیت و اهمیت بندرگز در روابط با روسیه

بندرگز که بانک استقراضی در آنجا تأسیس شد، مهم‌ترین مرکز تجارت خارجی ایالت استرآباد به شمار می‌رفت و در ساحل جنوب شرق دریای خزر در مصب رود گز قرار داشت. این روستای کوچک در سال ۱۲۷۳ ه. ق/ ۱۸۵۷ م تقریباً دارای ۸۰ خانوار از اهالی هزارجریب بود (مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۴۶؛ سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان، ۲۵۳۵: ۳۵). اما این ایالت و شهرهای آن مزایای خاصی در تجارت با روسیه نداشتند و به‌خاطر ناامنی، مسافرت کمتری به آنجا صورت می‌گرفت (ملگونف، ۱۳۷۶: ۱۵۵). با وجود این، بندرگز در این زمان محل بارانداز کالاهایی از جمله تولیدات شیشه‌ای مانند شیشه‌های قلیان بود که از روسیه می‌آمد و کیفیت مطلوبی نداشت (فلور، ۱۳۹۲: ۱۱۶-۱۱۷). گفته شده بنادری همچون بندرگز، آستارا، انزلی و مشهدسر فقط از آن جهت که موقعیت بهتری نسبت به آن وجود نداشته، بندر خوانده می‌شدند (انتنر، ۱۳۶۹: ۲۳).

به‌رغم این اوضاع، موقعیت ارتباطی ممتاز منطقه کاملاً مشهود بود. خط گز - استرآباد - شاهرود یکی از مهم‌ترین جاده‌های تجارتی روسیه بود؛ به‌طوری‌که که واردات به شاهرود، که انبار عمده محصولات محلی مازندران و واردات روسی بود، به‌دست نمایندگی‌های روسی و ارمنی از راه گز و استرآباد وارد می‌شد. کرزن، استرآباد و شاهرود را کلید سرنوشت شمال ایران دانسته و معتقد بود هر لشکری که در آنجا مستقر شود، می‌تواند رابطه خراسان را با دنیا قطع کند. به‌خاطر همین اهمیت بود که منافع روسیه را نمایندگان کنسولی دولت روس در بندرگز سرپرستی می‌کردند (کرزن، ۱۳۸۰: ج ۱: ۲۵۹، ۲۸۷، ۳۷۶).

بندرگز در آستانه قرن بیستم میلادی، به‌طور چشمگیری گسترش یافت. تا سال ۱۳۲۲ ه. ق/ ۱۹۰۴ م بیشتر ساکنین بندرگز، اسب‌دار بودند و چارواداری می‌کردند. اما به‌تدریج متوجه شدند که سود پنبه‌کاری بیشتر است (رابینو، ۱۳۶۵: ۱۱۳) و به کشت این محصول روی آوردند. درواقع اهمیت تدریجی پنبه در صنایع روس‌ها و توسعه کشتی‌رانی آن‌ها، باعث سهولت راه صدور و ایجاد بازار مناسب برای این کالا در روسیه شد (کاظمی‌بیک، ۱۳۹۸: ۲۲۴-۲۲۵). از این رو، روس‌ها اولین گروه مهاجر خارجی بودند که به قصد تجارت وارد بندر گز شدند. دومین گروه مهاجر ارمنی‌ها بودند. هجوم ارمنی‌ها به این منطقه موجب افزایش جمعیت و رونق هرچه بیشتر بازارها و تجارت شد (ماتویف، ۱۳۸۶: ۴۴).

این بندر آب‌وهوای بسیار بدی داشت، (مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۴۷) با این حال، در جایگاه مهم‌ترین مرکز تجارت خارجی، به‌ویژه با روسیه، بسیار اهمیت داشت و قابل مقایسه با استرآباد نبود. در این بندر، تجار روسی، ارمنی، گرجی، استرآبادی، مازندرانی، شاهرودی و خراسانی به دادوستد کالاهای روسی و ایرانی می‌پرداختند. اجناس روسی مانند کالای نساجی، چیت، شکر و تولیدات فلزی از بندرگز به ناحیه شمال شرق ایران منتقل می‌شد. پنبه، پوست، کنجد و برنج از دیگر اقلام تجاری این منطقه بود. در بندرگز، ایستگاه تلگراف و گمرک نیز وجود داشت (ماتویف، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۵؛ استرآبادنامه، ۲۵۳۶: ۲۷).

از سوی دیگر، پایگاه دریایی دولت تزاری که به منظور حفظ کرانه‌های استرآباد و مازندران از تاخت‌وتاز ترکمن‌ها ایجاد شده بود، (زینوف، ۱۳۶۲: ۵۵) در فاصله چند صد متری از بندرگز در جزیره آشوراده قرار داشت، که اهمیت بندر را دوچندان می‌کرد. در واقع اهمیت منافع و اهداف روس‌ها در این منطقه، مأموران روسی را وادار می‌کرد که همه خدمات طاقت‌فرسا را در راستای پیشرفت منافع و اهداف وطنشان انجام دهند (آندری‌وا، ۱۳۸۸: ۸۶). از این مطلب، اهمیت بندرگز بیشتر روشن می‌شود.

حضور مشروطه‌طلبان و مخالفان آن‌ها و گشایش انجمن در آنجا از دیگر نشانه‌های اهمیت این ناحیه بود. همه این عوامل باعث شد تا روس‌ها بندرگز را برای تأسیس شعبه بانک استقراضی خود در ایالت استرآباد انتخاب کنند.

#### ۴. کارکرد و فعالیت‌های بانک استقراضی در استرآباد

عمده‌ترین فعالیت‌های بانک در استرآباد، انجام عملیات بانکی و اعطای وام و قرض به اقشار مختلف مردم بود. به تدریج در پی گسترش نفوذ روس‌ها در استرآباد، این بانک، کارکرد سیاسی نیز پیدا کرد و مکانی برای تحصن و پناهندگی فعالان سیاسی، رجال و مردم عادی شد. در ادامه، این فعالیت‌ها بررسی خواهد شد.

##### ۴-۱. کارکرد اقتصادی و انجام عملیات بانکی

مهم‌ترین فعالیت اقتصادی بانک استقراضی اعطای وام و قرضه به گروه‌های مختلف مردم بود و از این راه به تدریج موفق شد جمعیت زیادی از ایرانیان را مشتری خود سازد. بانک با ارائه طرح‌هایی از جمله دریافت وثیقه‌های کم در مقابل پرداخت وام به اقشار مختلف، تلاش کرد مردم را به سوی خود جذب کند. همچنین هنگامی که کسی برای دریافت قرض به بانک مراجعه می‌کرد، با شرایط بهتری

نسبت به بانک انگلیس قرض خود را پیشنهاد می‌کرد (انتتر، ۱۳۶۹: ۸۲) تا ضمن جذب مشتریان، از مراجعه آن‌ها به بانک رقیب جلوگیری نماید.

چنین تسهیلاتی، بسیاری از صاحب‌منصبان استرآباد را نیز به سوی خود جلب کرد و سبب شد تا در معاملات خود و انتقال پول از این بانک کمک گیرند. مثلاً در اواخر سال ۱۳۳۲ ه.ق/۱۹۱۴ م امیر اعظم، حکمران سابق استرآباد، باغ گلین، روستایی که در دامنه کوه واقع بود را به قیمت ۵۰۰۰۰ منات<sup>۲</sup> (حدود ۲۵۰۰۰ تومان آن دوره) خریداری کرد. وی برای این معامله ۱۵۰۰۰ منات را نقد پرداخت کرد، ۱۵۰۰۰ منات را حواله بانک استقراضی در بندرگز نمود و ۲۰۰۰۰ منات را هم سند سپرد (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۱: ۴۵۹).

اما اهالی استرآباد بیشتر به‌عنوان قرض و تأمین هزینه‌های کشت و فروش پنبه از بانک پول می‌گرفتند. در اوایل سده چهاردهم قمری، با کاهش تجارت در بندرگز، کارخانه‌هایی از جمله کارخانه پنبه‌پاک‌کنی به‌دست ارامنه روس در این منطقه احداث شد (دانشنامه گلستان، ۱۳۹۵: ج ۱: ۲۶۷). احداث این کارخانه به‌احتمال زیاد مربوط به طرح بانک استقراضی روس بود که مقرر شد شرکت سهامی پنبه‌پاک‌کنی دایر کنند تا به گردآوری، پاک‌کردن و بسته‌بندی پنبه بپردازند (معطوفی، ۱۳۸۴: ج ۱: ۲۰۸-۲۰۷). تشویق‌های روسیه مخصوصاً قرض‌دادن پول به پنبه‌کاران از سوی بانک موجب ازدیاد محصول پنبه، رونق کشت و فروش آن نزد اهالی و البته وابستگی بیشتر آن‌ها به بانک استقراضی شد (انتتر، ۱۳۶۹: ۱۱۹).

اگرچه شعبه بانک استقراضی استرآباد معمولاً به همه اقشار وام می‌داد، اما به سبب ارتباط تنگاتنگ کنسولگری روسیه با بانک در آن منطقه، گاه اتفاق می‌افتاد که صاحب‌منصبان ایرانی با واسطه قراردادن کنسول روس، قرض موردنیاز خود را از بانک دریافت می‌کردند. مثلاً وقتی امیر مکرم به سبب اغتشاش لزگی‌ها و اهالی لاریجان از بارفروش (بابل) به قراسو آمد، به واسطه کنسول روس، ۱۰ هزار تومان از بانک روس قرض کرد و املاک خود را گرو گذاشت (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۱: ۳۰۰). شاید این واسطه قراردادن کنسول، برای تسهیل و سرعت در دریافت قرض صورت می‌گرفته است، زیرا همان‌طور که اشاره شد بانک با ارائه تسهیلات گوناگون، مردم را به خود وابسته ساخته بود.

غالباً شعب بانک استقراضی در شهرهای مختلف با کنسولگری‌های روسیه در آن مناطق ارتباط تنگاتنگی داشتند و حتی گاهی یک فرد واحد علاوه بر انجام وظایف کنسولی، شعب بانک را نیز مدیریت می‌کرد. همچنین گاه اتفاق می‌افتاد که بخشی از وظایف کنسول به رئیس بانک محول

۲. پول نقره رایج در روسیه قبل از انقلاب و معادل یک صد کپک. (دیانت، ۱۳۶۷: ۲۴۳)

شود. به طوری که در مارس ۱۹۱۶ م، حدوداً ربع‌الثانی ۱۳۳۴ ه.ق، ژنرال پاتایف کنسول روس، هنگام مراجعت به قراسو، امورات املاک سپهداری را به رئیس بانک بندرگز واگذار کرد (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۱: ۴۸۷).

علاوه بر کنسولگری، سفارت روس نیز بر بانک تسلط و نفوذ زیادی داشت و فقط به یک اشاره از طرف آن، بانک حاضر بود هر بدهکاری را که زیر بار دستورات روس‌ها نمی‌رفت تحت فشار قرار دهد و زندگی را بر او تلخ سازد (جهانشاهی و دیگران، ۱۳۳۸: ۴۵؛ تلگراف درمورد مداخلات کنسول روس در امور مشتریان و بانک، 5-35-p52-k: ۱ برگ). همه این عوامل باعث می‌شد که شعب بانک در شهرهای مختلف از جمله بندرگز، از اقتدار و نفوذ درخور توجهی برخوردار شوند.

#### ۲-۴. کارکرد سیاسی: پناه‌دادن به فراریان، توقیف مخالفان

در ایالت استرآباد قدرت و نفوذ مقامات روس سبب می‌شد تا عده‌ای از رجال سیاسی و حتی مردم عادی به دلیل ناکارآمدی عناصر داخلی، در مواقع بحران، از روس‌ها تظلم‌خواهی کنند. بناهای متعلق به روس‌ها، یعنی کنسولگری، تلگراف‌خانه و بانک استقراسی، کانون‌هایی بودند که زیر سایه حمایت دولتمردان روسی، امنیتی برای خود ایجاد کرده بودند (رجایی، ۱۳۹۸: ۱۱۶) و از هرگونه تعرض و تجاوزی مصون شدند. از این رو، بهترین مکان‌هایی بودند که مقامات رسمی و مردم عادی به فراخور نیاز در آنجا متحصن و پناهنده شوند. همچنین مقامات روس، در صورت نیاز از آن در جایگاه مکانی موقت برای توقیف مخالفان و رقیبان خود استفاده می‌کردند.

در ایالت استرآباد، دعوای بسیاری بر سر اراضی و تلاش برای تصرف املاک رخ می‌داد که بعضی اوقات به زدو خورد و تیراندازی منجر می‌شد و گاهی طرف مغلوب، سعی می‌کرد با تمسک به روس‌ها خود را از خطر پیش‌آمده نجات دهد. برای مثال پس از آنکه قرا لیوان و هشتیکه، براساس تقسیم ارث به سیف‌الملک داده شد، وی آنجا را به قهارخان اجاره داد. بعد از مدتی، دو نفر برای تصرف این املاک از طرف وزارت خارجه و مالیه استرآباد به این ناحیه آمدند و در منزل منشی کنسول روس ساکن شدند. آن‌ها مبلغ ۳ هزار تومان به امیر توپ‌خانه رشوه دادند تا با قوای کنسول همراهی نماید. سپس هژیرسلطان از طرف ایالت مأمور شد تا با گماشتگان سیف‌الملک به نواحی مزبور برود و مالیات آنجا را دریافت کند. اما قهارخان رعایا را علیه آنان تحریک کرد و رعایا شبانه هژیرسلطان و همراهانش را محاصره و به طرف آنها تیراندازی کردند. آن‌ها نیز که توان مقابله نداشتند، فرار نمودند و به بانک بندرگز پناه بردند (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۱: ۳۴۵-۳۴۶).

در شوال ۱۳۲۹ ه.ق / اکتبر ۱۹۱۱ م و در جریان حوادث مشروطه، نیروهای دولتی در بندرگز، نیروهای مرتجع را محاصره کردند. پس از زدو خوردهای بسیار، این نبرد که همراه با دخالت‌های

نیروهای روس بود. با شکست نیروهای دولتی، که مشروطه‌خواهان بومی گردآوری کرده بودند، پایان گرفت. سردار محیی با ده‌ها نیروی سوار به مازندران گریخت و ساکنان بومی بندر و بیش از ۴۰۰ سرباز و افسر از نیروهای سردار محیی، به شعبه محلی بانک استقراضی پناه بردند (ماتویف، ۱۳۸۶: ۱۶۱؛ ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ج ۷: ۱۴۵۰).

مدتی بعد از پناهندگی آن‌ها به بانک، کنسولگری روسیه، از استرداد آن‌ها به دولت ایران خودداری کرد. از این‌رو، وزارت جنگ برای رهایی آن‌ها با سفارت روسیه وارد مذاکره شد. کنسولگری در جواب اعلام کرد که باید مخارج حرکت آن‌ها از بندرگز به انزلی به همراه مخارج مدت اقامت آن‌ها در بانک به کنسولگری پرداخت شود. وزارت خارجه ایران نیز طی مکاتباتی از وزارتخانه‌های مختلف خواست تا این مبلغ را پرداخت کنند. اما خزانه‌داری جواب داد که وجهی در خزانه کل موجود نیست. با این حال، مکتوبات متعددی از متحصنان بانک به وزارت خارجه می‌رسید که حاوی شرح بدبختی و فلاکت آن‌ها در آنجا بود. همچنین وابستگان آن‌ها عرصه را بر این وزارتخانه تنگ کردند و خواستار رهایی آن‌ها بودند. بنابراین، وزارت خارجه در نامه‌ای از مجلس خواستار آن شد تا اقدامات لازم جهت فراهم کردن این وجه و رهایی متحصنین انجام شود (اسناد استرآباد و دشت گرگان در دوره مشروطیت، ۱۳۹۰: ۷۸-۷۹).

علاوه بر این، بانک به مکانی برای توقیف دشمنان و رقیبان دولت روس تبدیل شده بود. چنان‌که در سال ۱۳۲۹ه.ق/۱۹۱۱م نماینده کنسولگری به یاری قزاق‌ها، مدیر تجارتخانه طومانیاس، برادر سرحدار و چند نفر دیگر را تحت‌الحفظ به بانک بردند. علت این اقدام مشخص نیست؛ اما به دنبال این حرکت، مردم به هیجان آمدند و حتی بیم آن می‌رفت که به تلگراف‌خانه بریزند (تلگراف در مورد اقدامات خلاف رویه نماینده کنسولگری، ۱۳۸۸-p8-88: ۱ برگ).

## ۵. ناسامانی در فعالیت‌های بانک در استرآباد

به‌رغم پشتیبانی دولت و کنسولگری روس از فعالیت‌های بانک استقراضی در استرآباد، این بانک در برهه‌ای از زمان دچار رکود شد و حتی به تعطیلی کشید. یکی از دلایل آن کمبودهای پولی - اعتباری بود که ناشی از وقوع جنگ جهانی اول می‌شد. پس از آغاز جنگ، ادارات بندرگز از جمله بانک استقراضی، گمرک‌خانه و تجارتخانه‌های اتباع روسیه بسته شدند (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۱: ۴۱۱). همچنین در رمضان ۱۳۳۵ه.ق/جولای ۱۹۱۷م گزارش شده که «بانک بندرگز به واسطه نداشتن پول، مدت‌هاست که تعطیل شده است» (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۲: ۵۴۸).

به‌خاطر اوضاع جنگی، بانک استقراضی و مؤسسات تجاری روسی، ورود کالاهای روسی به ایران را تا حد زیادی کاهش دادند و نقدینگی‌هایی که پیش‌تر به تجارت و مبادلات کالا مختص می‌کردند

به تدارکات و مصارف نظامی اختصاص دادند. همچنین جنگ جهانی باعث کاهش شدید ارزش منات روسی شد (شاهدی، ۱۳۸۱: ۷۸۷) که نتیجه آن بی‌اعتمادی مشتریان به شعب بانک و هجوم هراسان آن‌ها برای دریافت وجوه خود بود. به گزارش وکیل‌الدوله در سال ۱۳۳۳ ه.ق / ۱۹۱۵، به دلیل تنزل اعتبار اسکناس، تجار کُردمحلّه و انزان، از مناطق ایالت استرآباد، که حدود ۳۰۰ هزار تومان پول در بانک امانت داشتند، سراسیمه پول‌های خود را از بانک مطالبه کردند (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۱: ۴۶۰-۴۶۱) و بدین ترتیب، فعالیت‌های بانک دچار رکود شد.

پیشروی نیروهای عثمانی در خاک ایران و بازگشت نیروهای روسیه از ایران در جریان جنگ جهانی اول، عامل دیگری بود که مردم را به وحشت انداخت و تحریک کرد تا سپرده‌های خود را از بانک طلب کنند (سپهر، ۱۳۳۶: ۳۷۲).

درمورد شعبه بندرگز در منابع مستقیماً به تأثیر این عامل در تنزل فعالیت‌های بانک اشاره نشده است، اما باتوجه به شواهد دیگر، این حادثه را می‌توان یکی دیگر از دلایل نابسامانی و افزایش مطالبات مشتریان دانست. در ژانویه ۱۹۱۵ / ۱۳۳۳ ه.ق، در استرآباد شهرت یافت که عثمانی‌ها، آذربایجان را تصرف و روس‌ها نواحی شمال غربی ایران را تخلیه کرده‌اند و بیم آن می‌رفت که عثمانی‌ها وارد رشت شوند. اهالی استرآباد به تکاپو افتادند و انجمن محرمانه‌ای برای اغتشاش بر ضد روس‌ها تشکیل دادند. کنسول روس نیز که خطر حملات ترکمن‌ها و ناامنی را نزدیک می‌دید، سرگرم پیشگیری از حملات آن‌ها شد و به طوایف ترکمن پیغام داد که امنیت استرآباد را تأمین خواهد کرد (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۱: ۴۳۴-۴۳۵). لذا در این وضعیت، مشتریان و بدهکاران بانک بندرگز احساس خطر و برای به‌دست‌آوردن اشیا و گروه‌های خود اقدام کرده‌اند.

### ۶. تعدیات و اجحافات بانک استقراضی در استرآباد

بانک استقراضی در استرآباد عملاً روی اقتصاد و تجارت این ایالت سایه انداخته بود و از هرگونه ظلم و ستم به اهالی روی‌گردان نبود. بانک در بحث وام‌ها، بیشترین بی‌اعتدالی‌ها را انجام می‌داد؛ به‌گونه‌ای که اگر موفق به پرداخت قرض‌های خود نمی‌شدند، بلافاصله دارایی‌های آن‌ها که به‌عنوان رهن نزد بانک سپرده بودند را تصرف می‌کرد. از آنجاکه مردم استرآباد اغلب، باارزش‌ترین دارایی خود، یعنی املاکشان را وثیقه می‌گذاشتند، بسیاری از این زمین‌ها به تصرف بانک درآمد. بانک حتی بدون بهانه نیز اقدام به تصرف اراضی می‌کرد. در ادامه، مصادیق این موضوع دقیق‌تر بررسی می‌شود.

#### ۶-۱. بی‌اعتدالی در اعطای قرض

به گزارش وکیل‌الدوله، بانک روس در استرآباد در اعطای قرض، بی‌اعتدالی زیادی می‌کرده و سبب رنجش و نارضایتی مردم شده بود؛ به طوری که اهالی هیچ‌کدام از روس‌ها دل‌خوشی نداشته و ترجیح می‌دادند بانکی به دست انگلیسی‌ها در آن منطقه دایر شود (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۱: ۳۱۶-۳۱۷). هرچند درخصوص بخش پایانی این گزارش، یعنی تمایل به دایر شدن یک بانک انگلیسی، باید با تأمل نگریست، اما درباب تعدیات روس‌ها شکی نیست. چنان‌که اهالی استرآباد طی نامه‌ای از نمایندگان مجلس خواستند که در رفع مظالم بی‌حدی که از جانب روس‌ها نسبت به آن‌ها شده، توجه کنند تا «بدین تشبث این نقطه مهمه دستخوش اجانب و بدین وسیله این مملکت محل سکناى مهاجرین روسیه و از ایران مجزا نشود» (اسناد استرآباد و دشت گرگان در دوره مشروطیت، ۱۳۹۰: ۲۲۸).

طرح اعطای قرض به این صورت بود که از درخواست‌کنندگان وام، جواهرات و کالاهای قیمتی را که یک‌ونیم تا دو برابر بیشتر ارزش داشت، گرو می‌گرفتند و برای مدت معینی پول قرض می‌دادند. اگر بعد از پایان مهلت، صاحب کالای گرویی، پول را برنمی‌گرداند، بانک حق داشت کالا را حراج کند (سپهر، ۱۳۸۶: ج ۱: ۱۴۳).

باین‌حال، بسیار اتفاق می‌افتاد که اجناس گرویی نزد بانک، مال دزدی از آب درمی‌آمد. معمولاً وقتی صاحب مال سرقت‌شده، مال خود را از وزارت نظمیۀ مطالبه می‌کرد، پس از تحقیق مشخص می‌شد دارای به سرقت‌رفته در بانک رهن گذاشته شده و در معرض حراج قرار گرفته است. پس از آنکه صاحب مال در مقام استرداد و دادخواهی برمی‌آمد، بانک به‌طور صریح پاسخ می‌داد که مال را فروخته است و از بازگرداندن آن اجتناب می‌کرد (تلگراف درمورد به حراج گذاشتن اشیاء مسروقه توسط بانک، K19، P17، 15: برگ). عدم بازگرداندن اجناس مسروقه گرویی به صاحبان اصلی آن، به یک مایه رسوایی برای بانک تبدیل شده بود (دهقان‌نژاد، ۱۳۸۸، ۲۲).

بخش مهمی از دعاوی اهالی استرآباد با بانک استقراضی بر سر مطالبات مورد ادعای بانک بود. بانک معمولاً بر سر بدهی مشتریان خود اقامه دعوا و مطالبات خود را طلب می‌کرد که معمولاً پای حکومت هم به این دعوا باز می‌شد. در این صورت، ممکن بود ادعای بانک صحیح نباشد. در این حالت، مدعی‌علیه، تلاش خود را برای اثبات حقانیت خود آغاز می‌کرد. در سال ۱۳۴۰ ه.ق/۱۹۲۲ م، بانک استقراضی بندرگز ادعایی علیه ورثه حاج رستم جزئی مطرح کرد و حکومت استرآباد نیز شروع به پیگیری طلب بانک کرد. ورثه به‌ناچار نامه‌ای به مجلس شورای ملی ارسال کردند و خواستار پیگیری موضوع شدند:

«...[راجع به دعوی بانک استقراضی شعبه بندر جز[گز] از ورثه حاجی رستم جزئی؛ حکومت استرآباد هشت ماه است میزان مختلفه از یک مشت ورثه مطالبه دارند و ورثه از اسناد ثبت دارند که

ابداً مورثان مقروض نبوده و مبلغی طلب دارند [...] دولت در استرآباد مأمورین چند دارد، مقرر فرمایند رؤسای دوایر [...] در اداره حکومتی تشکیل جلسه نموده به اسناد بانک و اسناد ورثه رسیدگی فرمایند، آنچه ما بندگان طلبکار شده، مرحمت و چنانچه بانک طلبکار شد، البته ورثه اطاعت دارند» (تلگراف ورثه حاجی رستم جزی...، ۲۲/۱/۳۶/۴۶۸: ۷ برگ) (رک. : ضمائم: سند شماره ۱).

در پرداخت نکردن بدهی‌ها، معمولاً حکام و مقامات محلی کمکی به اهالی نمی‌کردند و اکثراً مردم بدون پشتیبان می‌ماندند. حتی گاهی ظلم و ستم آن‌ها باعث ناتوانی اهالی در بازپرداخت قرض می‌شد. برای مثال، حاجی محمدتقی جزی یکی از کسانی بود که به‌خاطر تعدیات و غارت‌هایی که از طرف قهارخان و ملازمینش بر او و خانواده‌اش وارد آمد، نتوانست به‌موقع قرض خود را به بانک ادا کند. حتی سرحدار بندرگز نیز به ضرر او عمل کرد و مشکلاتش را دوچندان کرد (تلگراف درمورد تصرف املاک در بندرگز...، ۱۴/۳/۲۶۵۸: ۱ برگ) (رک. : ضمائم سند شماره ۴).

بنابراین از یک سو بی‌اعتدالی‌های بانک در اعطا و دریافت قرض ستم زیادی بر اهالی روا می‌داشت و از سوی دیگر ظلم مقامات و متنفذان محلی عرصه را بر آن‌ها بیشتر تنگ می‌کرد.

## ۶-۲. تصرف املاک

همان‌طور که اشاره شد بانک در قبال اشیاء منقول مانند طلا، نقره، فرش و اسباب‌خانه به افراد پول قرض می‌داد. اما کم‌کم بانک از این حد پا فراتر گذاشت و به گروگرفتن ملک روی آورد (مستوفی، ۱۳۸۴: ج ۱: ۴۵۴).

براساس قانون، بیگانگان، حق داشتن املاک را در ایران نداشتند مگر در مواردی خاص، ولی این بانک به‌واسطه وام‌هایی که می‌داد و وثیقه‌هایی که گرو می‌گرفت، مالک بسیاری از مستغلات شد و به گزارش لیتن، «قریب ۴۸ میلیون روبل به ایرانیان قرض داد و در مقابل، گروه‌های ملکی گرفت» (لیتن، ۱۳۶۷: ۹۸).

در ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ه.ق/ژانویه ۱۹۱۵ م، گزارش شد که میرزا داوودخان گرجی مسیحی، معادل ۵ هزار منات به بانک بندرگز مقروض است که وعده آن به سر آمده بود. بانک در مقام مطالبه برآمد و کنسولگری مراتب را به کارگزاری اطلاع داد. میرزا داوودخان مهلت سه‌ماهه درخواست کرد تا طلبش را از دو تن از بدهکارانش که یکی از آن‌ها امیر مکرم بود، وصول نماید. سرانجام این اتفاق روشن نیست، اما در همین تلگراف تهدید شده که اگر داوودخان موفق به پرداخت بدهی‌اش نشود، کنسولگری اقدام به توقیف خانه و اثاث وی خواهد نمود که به آبرو و اعتبار تجارتهی این شخص آسیب خواهد رسید (تلگراف درمورد طلب بانک استقراضی از میرزا داوودخان گرجی، 35-34-p5:k: ۱ برگ، تلگراف درمورد مقروض بودن داوودخان به بانک، 13-98-p45:k: ۱ برگ).

با این حال، تصرف املاک همیشه به بهانه دریافت گرو نبود. طبق گزارش‌ها در استرآباد، اعضای بانک استقراضی بدون هیچ دلیل موجهی اقدام به تصرف املاک می‌کردند. برای نمونه، براساس فرمانی، کلیه خالصجات استرآباد به مدت ۱۴ سال در تصرف سپهدار اعظم بود. اما چون این املاک پیش از این ساخلوی استرآباد بود، اهالی به دولت، تظلم کردند. دولت پس از آگاهی از وقایع و مشاهده ازدست‌رفتن ولایاتی وسیع به مبلغی اندک، فرمان مذکور را نسخ و درمقابل، بلوک شمال قزوین را به سپهدار اعطا کرد. اما بعد از ورود قشون روس به استرآباد، یک نفر از اعضای بانک استقراضی به استرآباد وارد شد و به کمک نظامیان روس، تمام املاک دولت را که حتی یک وجب آن خالصه نبود، ضبط کرد. اهالی استرآباد شروع به اعتراض و تظلم‌خواهی کردند، اما به‌غیر از «اقدامات لازم سمت و احقاق حق می‌شود» جوابی نشنیدند (تلگراف شکایت از تصرف املاک غیرخالصه...، ۲۴/۳/۲۶۵۶؛ برگ؛ اسناد استرآباد و دشت گرگان در دوره مشروطیت، ۱۳۹۰: ۲۲۸-۲۲۷).

همچنین بانک به همراه «کمپانی فلاحتی روس»، به تصرف اراضی کنار رودهای قره‌سو و گرگان و جنگل‌های آنجا اقدام و قریب شش الی هفت قریه و مهاجرنشین را دایر کردند (تلگراف درمورد تصاحب اراضی استرآباد توسط بانک و اتباع روس: k36-p1-10).

باید توجه داشت که تصرف اراضی ایران به‌دست روس‌ها و کلنی‌سازی در آن، ابتدا از سوی روستاییان روسی در سال ۱۳۲۵ه.ق/ ۱۹۰۷م آغاز شد و سپس در فاصله سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۹ه.ق/ ۱۹۱۴-۱۹۲۱م، یکی از اهداف و سیاست‌های اصلی روس‌ها در ایران شد. بانک استقراضی روس نیز در راستای این سیاست، یکی از کانون‌هایی بود که در استملاک و تصاحب اراضی فعالیت‌های چشمگیری پیدا کرد و دامنه اقداماتش بسیار وسیع شد (نورائی و آندریوا، ۱۳۸۸، ۲۱، ۲۴).

### ۳-۶. تعدیات قزاق‌های محافظ بانک

به‌رغم اینکه دولت ایران مسئول حفظ امنیت برای فعالیت بانک استقراضی در بخش‌های مختلف کشور بود، هرگاه حالتی اضطراری یا بحرانی پیش می‌آمد، دولت روسیه با ورود نیروی نظامی، مستقیماً امنیت بانک را برعهده می‌گرفت. قزاق‌ها معمولاً نیروهای ناآرام و عاملی برای ایجاد شرارت، تعدی و واردکردن خسارت بودند. در اسناد به چند نمونه از آن‌ها اشاره شده است. در یک مورد، آن‌ها سنگ‌های مرمر عمارت آقا محمدخان قاجار در استرآباد را شکسته‌اند و به روسیه فرستاده‌اند. همچنین درها و سقف‌های این عمارت را تماماً سوزانده‌اند (تلگراف درمورد اقدام قزاق‌ها در خراب‌کردن عمارت آقا محمدخانی، k37-p65-9: برگ) و خسارتی که تا آن زمان سابقه

نداشت، به اموال دولتی وارد آورده‌اند. وکیل‌الدوله اقدامات آن‌ها را یا به دستور کنسول روس یا از سر دشمنی نسبت به دولت ایران دانسته که همگی قصد انهدام تأسیسات دولتی را داشتند<sup>۳</sup> (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ۱ ج: ۴۲۶).

مواردی پیش می‌آمد که قزاق‌های محافظ بانک، به آزاروآذیت اهالی دست می‌زدند. در گزارشی آمده که اسدالله نام قزاق، اغلب اوقات مست می‌کرده و اسباب رنج و عذاب اتباع داخلی و خارجی می‌شده است. به طوری که اهالی به ستوه آمده و در پی شکایت آنان، سرحدداری خواستار اخراج او از بندرگز شده است (تلگراف سرحدداری و تقاضا برای اخراج اسداله نام قزاق، ۱۳۶۳-۵۱-۹۷: ک برگ).  
تعدیات قزاق‌ها گاهی اوقات باعث دخالت نیروی نظمیه می‌شد. اما در برخی موارد با بروز ناهنجاری و کج‌روی از سوی قزاقان، اهالی شهر، که از ظلم و ناامنی به ستوه آمده بودند، خود، تنبیه قزاق‌ها را به عهده می‌گرفتند. در سال ۱۳۲۶ ه.ق/ ۱۹۰۸ م سه نفر قزاقی، که برای محافظت بانک به بندرگز فرستاده شده بودند، به دلیل مصرف مشروبات، مست شدند و نسبت به مشروطه‌طلبان و طایفه باییه فحاشی کردند. اهالی بندر به آنان حمله کردند و کتک مفصلی به آن‌ها زدند (تلگراف شرح تعدیات قزاق‌ها...، ۱۳۶۳، P9، K57، 22: برگ) (رک: ضمائیم سند شماره ۳).

## ۷. آتش‌زدن بانک استقراضی در بندرگز

یکی از حوادث نادر در تاریخ فعالیت‌های بانک استقراضی روسیه در ایران، آتش‌زدن ساختمان بانک در ایالت استرآباد بود. در تنها گزارش‌ها و توصیفات مربوط به این واقعه آمده است:  
«منزل موقتی را که برای بانک مشخص کرده بودند، نزدیک صبح چند نفر از بندر جز رفته، زیر خزانه بانک را با نطف آتش می‌زدند. رئیس بانک بیدار گردیده، بیرون آمده و فریاد نموده، اجزاء و اهالی بندر از اطراف آمده، خاموش کردند. چند نفر از کسبه‌ی سنگسری را سرحددار گرفته، چوب زدند. لاکن محرک معلوم نشد» (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ۱۳۶/۱).  
«[..] دیشب [شب] گذشته زیر اطاق بانک را آتشی زده بودند که سوراخ شده، پول بریزد، ببرند. دود توی اطاق پر شده بود رئیس بانک ملتفت شده، مرتکب فرار می‌نماید دو سه نفر در بندر جز هستند که محرک این قبیل کارها بودند و هستند و حکم مؤکد از طرف وزارت داخله صادر شود که مرتکبین و محرکین از بندر جز تبعید شوند» (تلگراف از بندرگز به تهران...، ۱۳۶۳، P9، K57، 30: برگ).

۳. وکیل‌الدوله در چند گزارش به ویرانی عمارت‌ها از سوی روس‌ها اشاره کرده است. (برای نمونه رک.: وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ۱۳۷۵/۱) همچنین ویلم فلور اشاره کرده که در استرآباد کارکنان روسی تلگراف، کاشی‌های زیبایی کاخ‌های یک‌صدساله قاجاری را می‌زدیدند و برای فروش روانه روسیه می‌کردند. (فلور، ۱۳۹۲: ۹۵)

حادثه به آتش کشیدن بانک استقراضی شعبه بندرگز، در ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ه.ق/امی ۱۹۰۸ م اتفاق افتاد و عاملان آن و هدف آن‌ها از آتش زدن بانک به درستی مشخص نشد. علت وقوع حادثه می‌توانست ناشی از ناامنی در ناحیه استرآباد باشد. چنان‌که مظفر شاهدهی علت این حادثه را در قالب ناامنی جست‌وجو کرده است. به گفته او، به‌رغم تمامی اقداماتی که برای تأمین امنیت شعب بانک استقراضی صورت می‌گرفت، مواردی رخ می‌داد که برخی افراد شعب بانک و منازل مسکونی اجزای بانک را مورد هجوم قرار می‌دادند و پس از وارد آوردن خساراتی، از محل متواری می‌شدند. سپس علت به آتش کشیدن بانک استقراضی را همین مسئله دانسته است. (شاهدهی، ۱۳۸۱: ۱۴۸-۱۵۰) در نامه‌ای که پس از وقوع حادثه از بندرگز به تهران مخابره شد نیز علت حادثه تلاش برای سرقت پول‌های بانک عنوان شد (تلگراف از بندرگز به تهران...، K57، P9، 30: ۱ برگ) (رک. : ضمیمه سند شماره ۲). این علت، دور از واقعیت نیست، زیرا مؤسساتی نظیر بانک استقراضی که به فعالیت‌های اقتصادی - تجاری اشتغال داشتند، بیش از هر جای دیگر مورد توجه سارقان و برهم‌زنندگان امنیت بودند.

ناخشنودی مردم از حضور روس‌ها در آن ناحیه را نیز می‌توان یکی از دلایل وقوع این حادثه دانست. تجار، صرافان و کسبه داخلی از یک‌سو و مردم عادی از سوی دیگر، دو گروه عمده مخالفان بانک استقراضی را تشکیل می‌دادند. در تبیین این دلیل باید گفت این بانک تأثیر عمیقی بر زندگی تجار، صرافان و کسبه گذاشت و گروه قابل‌توجهی از آن‌ها ورشکسته و به حاشیه رانده شدند (شاهدهی، ۱۳۸۱: ۱۷۹). شاید به همین دلیل بوده که به گفته وکیل‌الدوله، کسبه سنگسری در مقام مظنونین اصلی قلمداد شدند و آنان را تنبیه کردند (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۱: ۳۶). این احتمال وجود دارد که پیش‌ازین نیز ناراضی‌هایی از سوی آنان بروز یافته باشد.

مخالفت با تأسیس و فعالیت بانک استقراضی صرفاً به تجار و صرافان محدود نمی‌شد، بلکه مواردی از مخالفت‌های عمومی نیز در شهرهای مختلف کشور گزارش شده است. در منطقه استرآباد، بیشتر مخالفت‌ها و اعتراضات نسبت به اجحافات و ظلم و ستم‌ها، با به آتش کشیدن اماکن، مال‌التجاره‌ها و غیره نشان داده می‌شد. مانند آتش زدن خانه سالار اکرم (پسر سردار رفیع حاکم سابق استرآباد) به دست مردم، که آزارهای فراوانی به اهالی می‌رساند (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۲: ۵۶۲). در مورد روس‌ها نیز از همین شیوه استفاده شده است. در سال ۱۲۷۵ ه.ق/۱۸۵۸ م، یعنی سال‌ها قبل از تأسیس بانک، در بندرگز، آتش‌سوزی رخ داد که انبارهایی را دچار حریق و تقریباً ۱۵۰۰۰۰ تومان به مال‌التجاره‌ها، به‌خصوص پنبه و میوه‌های خشک، آسیب وارد کرد. (سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان، ۲۵۳۵: ۳۶) پس‌از آن، کمپانی روس به ناچار اموال و متعلقات خود را به آشوراده انتقال داد (عزالدوله و ملکونوف، ۱۳۶۳: ۱۳۲).

به گفته مکنزی، از آنجاکه خسارت دیدگان آتش‌سوزی همه از اتباع روسیه بودند، عمدی بودن حادثه بیشتر قوت گرفت. او وقوع حادثه را مشکوک دانسته و از قول روس‌ها این حادثه را به بدخواهی ایرانیان نسبت داده است و عنوان کرده: «ایرانیان همیشه عدم علاقه خود را به روس‌ها نشان می‌دهند» (مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۴۶-۱۴۸).

براساس گزارش ابوت، کنسول بریتانیا، مردم استرآباد از تأسیسات تجاری روسی در بین خودشان تنفر داشتند. چون جو این ایالت، اقامت طولانی اتباع سایر ممالک را بر نمی‌تابید (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۵۷). معطوفی آتش‌زدن بانک را به اختلافات بین اهالی بومی با روس‌ها و آرامنه تاجر ربط داده که این اختلافات می‌توانست ریشه در مخالفت و موافقت با نهضت مشروطه منطقه داشته باشد (معطوفی، ۱۳۸۴: ۵۶۹/۱).

علت آتش‌زدن بانک هرچه که بود، باعث شد روس‌ها احساس خطر و فزاینده‌ای را برای حفاظت از بانک، به بندر گز وارد کنند. فزاینده‌ای که کمی بعد خود موجب گرفتاری و آزار اهالی استرآباد شدند.

#### ۸. تأثیرات عملکرد بانک استقراضی بر اقتصاد محلی بندر گز

همان‌طور که اشاره شد اهالی بندر گز بیشتر برای تأمین هزینه‌های کشت و فروش پنبه از بانک استقراضی وام دریافت می‌کردند. همچنین تعدادی از صاحبمنصبان به ویژه برای خرید زمین و انجام معاملات ملکی و یا پرداخت بدهی‌های خود وام می‌گرفتند (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۱: ۴۵۹). باید توجه داشت، اگرچه تشویق‌های روسیه مخصوصاً قرض دادن پول به پنبه‌کاران توسط بانک موجب ازدیاد محصول پنبه، رونق کشت و فروش آن نزد اهالی شد اما وابستگی آن‌ها به بانک استقراضی را بیشتر کرد (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۱۹). این موضوع در مورد صاحبمنصبان و مردمی که به قصد انجام معاملات ملکی نیز پول دریافت می‌نمودند نیز صدق می‌کرد.

درواقع بانک استقراضی با اعطای وام به مردم تحت شرایط آسان، گروه‌های بسیاری را به خود جذب کرد. این مسئله ضمن افزایش نفوذ بانک و روس‌ها در بین طبقات مختلف مردم، سبب وابستگی بیشتر آنها به بانک شد. در بسیاری موارد ناتوانی آنها در بازپرداخت وام، سبب ضبط املاک و دارایی آنها از سوی بانک می‌شد و آنها را دچار فقر و بدبختی می‌ساخت.

درواقع طرح امتیازات و تسهیلات ازسوی بانک، مشخصاً در راه گسترش نفوذ روسیه انجام می‌پذیرفت و به تدریج سبب وابستگی اقتصادی و مالی مردم به این بانک شد، به طوری که برخی را از هستی ساقط کرد. با این حال، اولیای بانک، معتقد بودند که فعالیت آن‌ها در جهت آسایش مردم و خدمت به فقراست (قاضیها، ۱۳۸۰: ۲۷۵-۲۷۶، سند شماره ۱۲۰).

بانک از لحاظ اقتصادی آنچنان در میان مردم تأثیرگذار شد و جایگاه مهمی پیدا کرد که هنگام وقوع جنگ جهانی اول و با سقوط ارزش منات روسی، مردم محلی سراسیمه به بانک هجوم برده و پول‌های خود را از بانک طلب کردند که این موضوع خود به نحوی باعث نابسامانی در منطقه شد (وکیل‌الدوله، ۱۳۶۳: ج ۱: ۴۶۱، ۴۶۰).

از سوی دیگر شرکت و حضور مالی بانک در فعالیت‌های مربوط به حمل و نقل و اجرای احداث راه‌های شوسه در شمالی ایران از جمله در بندرگز، در رشد و توسعه تجارت متمر ثمر و مفید واقع گردید. همچنین این بانک در انجام عملیات بانکی و تجاری برای ترویج فروش و مصرف کالاهای روسی در ایران و نیز صدور محصولات کشاورزی از ایران به روسیه موفق عمل کرد (معطوفی، ۱۳۹۴: ۳۲۰).

اما تعدیات بانک، همچون بی‌عدالتی‌های آنها در اعطای قرض و تصرف ناعادلانه املاک و اموال و همچنین ظلم و اجحافات قزاق‌های وابسته به بانک، باعث اختلال در امنیت منطقه گردید. موضوعی که تبعات آن به خود بانک هم رسید و بانک مورد حمله و آتش سوزی قرار گرفت. با این اوصاف بانک استقراضی در بندر گز حکم شمشیر دو لبه را داشت و ضمن ایجاد فرصت‌هایی برای پیشرفت اقتصاد محلی، زیان‌هایی به اهالی و منطقه وارد آورد.

### نتیجه‌گیری

تاریخ دقیق تأسیس بانک استقراضی در ایالت استرآباد مشخص نیست، اما باتوجه‌به شواهد، باید آن را جزو اولین شعباتی دانست که پس از افتتاح شعبه مرکزی تهران، تأسیس شده است. اهمیت بندرگز در تجارت خارجی ایالت استرآباد و حضور بی‌شمار روس‌ها و ارمنیان در آنجا از یک‌سو و نزدیکی این بندر به ایستگاه دریایی دولت تزاری در جزیره آشوراده از سوی دیگر، سبب شد که شعبه بانک استقراضی ایالت استرآباد در این بندر تأسیس شود. مهم‌ترین فعالیت بانک استقراضی در استرآباد، انجام عملیات بانکی بود و برای کشت پنبه به اهالی وام می‌داد. اما قدرت و نفوذ مقامات روس در این ایالت سبب شد تا بانک، کارکرد سیاسی نیز پیدا کند و پذیرای فراریان و پناهندگانی باشد که به‌دلیل دعوا یا درگیری داخلی به این بانک پناهنده شده تا از هرگونه تعرض و تجاوزی مصون باشند. با اینکه در انجام معاملات با حواله‌هایی که به این بانک می‌شد، کار برای اهالی راحت‌تر شده بود، اما فریفته‌شدن با تسهیلات و وام‌هایی که بانک به آن‌ها پرداخت می‌کرد، گرفتاری‌های فراوانی برای آن‌ها فراهم آورد؛ به‌طوری‌که نداشتن توانایی در بازپرداخت وام‌ها، سبب از دست رفتن املاک و اموال آن‌ها شد. با این حال، تصرف املاک اهالی به‌دست بانک همیشه به‌بهانه در یافت گرو نبود؛ بلکه بانک در راستای سیاست دولت روسیه تزاری که قصد تصرف تدریجی املاک و سرزمین‌های شمالی را



سند شماره ۲: تلگراف از بندرگز به تهران و شرح حادثه آتش‌سوزی بانک  
(استادوخ، K57، P9، 30، 1326)



از منبر جریه طهران اداره تلگرافی دولت عالیہ ایران صفحه

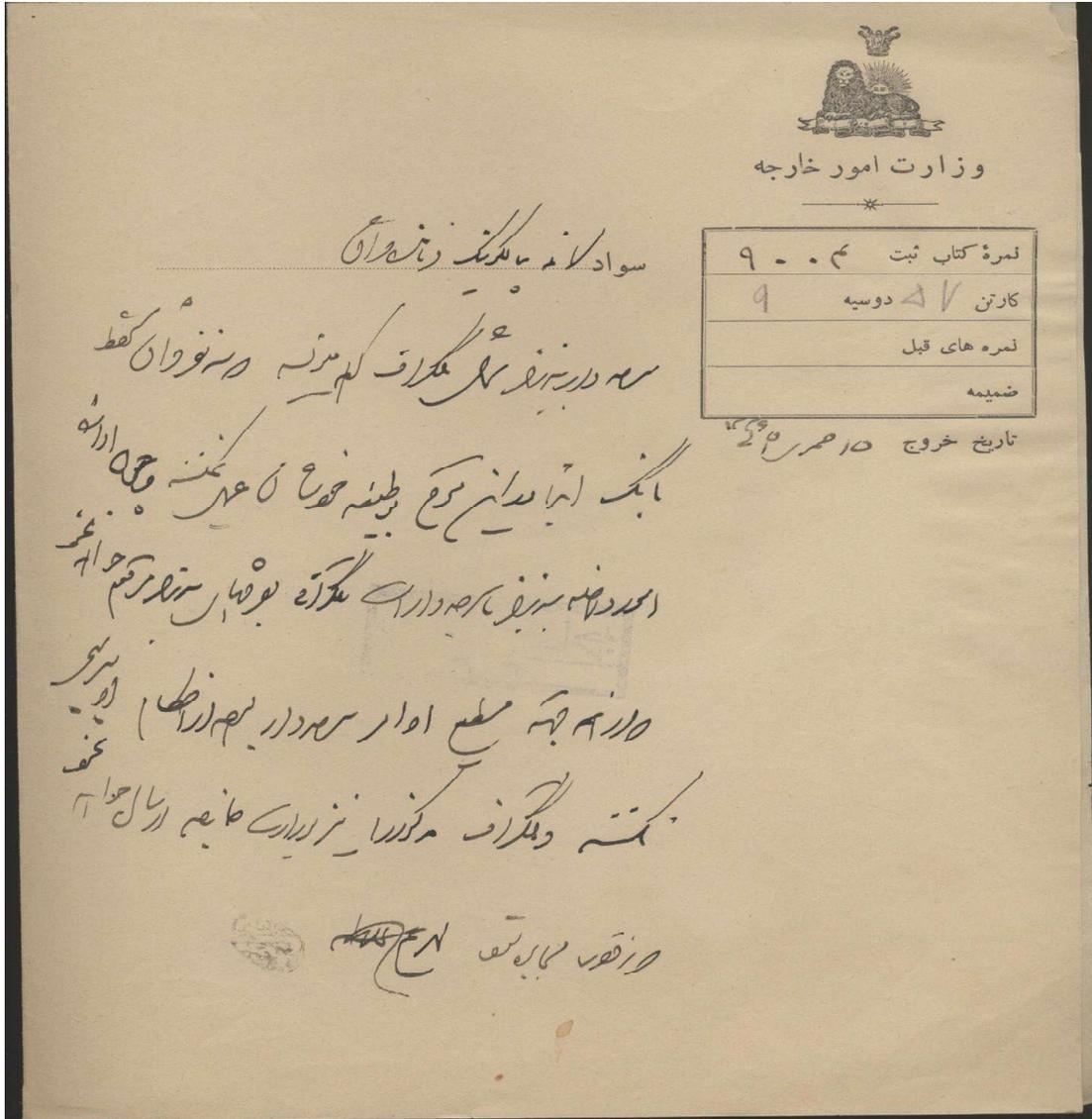
اطلاعات	تاریخ اصل مطالب		عدد کلمات	نمبره
	دقیقه	ساعت	ص.	
			۱۰	۱۳۹

حضرت محمدتقی میرزا صاحب کرامت و علم و ادب و وزیر امور خارجه طهران  
 در شب که نشسته ز طریق میمنت در دست زلفه بجزیره سوادخ ستمه پیر بر زلفه بریزد و در آن  
 پر ستمه بجزیره سوادخ ستمه پیر بر زلفه بریزد و در آن  
 کار بجزیره سوادخ و علم که از طرف وزارت درجه صادر شود و ستمه پیر بر زلفه بریزد

حاکم محمد حسن



سند شماره ۳: تلگراف از سرحددار بندر جز به وزارت امور خارجه در مورد شرح تعديت قزاق‌های مستحفظ بانک استقراضی شعبه بندرگز (استادوخ، K57، P9، 22، 1326)





## منابع

- آندریوا، النا (۱۳۸۸). روسیه و ایران در بازی بزرگ (سفرنامه‌ها و شرق‌گرایی). ترجمه الهه کولائی و محمد کاظم شجاعی. تهران: دانشگاه تهران.
- استرآبادنامه (۲۵۳۶). به کوشش مسیح ذبیحی. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- اسناد استرآباد و دشت گرگان در دوره مشروطیت (۱۳۹۰). به کوشش مصطفی نوری و اشرف سرایلو. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- اسناد روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین‌شاه تا سقوط قاجاریه (۱۳۸۰). به کوشش فاطمه قاضیهیا. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- اسنادی از اختلافات و دعاوی بانک ایران (۱۳۸۰). به کوشش علیرضا اسماعیلی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه. تهران: زمینه.
- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان (۱۳۵۵). خاطرات سیاسی میرزا علی‌خان امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- انتنر، مروین ل، (۱۳۶۹). روابط بازرگانی روس و ایران ۱۸۲۸-۱۹۱۴. ترجمه احمد توکلی. تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- تلگراف از بندرگز به تهران و شرح حادثه آتش‌سوزی بانک، 1326، K57، P9، 30، اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ).
- تلگراف شرح تعدیات قزاق‌های مستحفظ بانک استقراضی بندرگز، 1326، K57، P9، ۲۲، استادوخ.
- تلگراف درخواست بهره‌مندشدن مستخدمین بانک استقراضی از فصل ششم عهدنامه مقدسه، k19-p17-27، استادوخ.
- تلگراف درمورد مداخلات کنسول روس در امور مشتریان و بانک، k52-p35-5، استادوخ.
- تلگراف درمورد اقدامات خلاف رویه اگنط کنسولگری، k61-p8-88، استادوخ.
- تلگراف درمورد به حراج گذاشتن اشیاء مسروقه توسط بانک، K19، P17، 15، استادوخ.
- تلگراف درمورد طلب بانک استقراضی از میرزا داوودخان گرجی، k34-p5-35، استادوخ.
- تلگراف درمورد مقروض‌بودن داوودخان به بانک، k45-p98-13، استادوخ.
- تلگراف درمورد تصاحب اراضی استرآباد توسط بانک و اتباع روس، k36-p1-10، استادوخ.
- تلگراف درمورد اقدام قزاق‌ها در خراب‌کردن عمارت آقا محمدخانی، k37-p65-9، استادوخ.
- تلگراف سرحداری و تقاضا برای اخراج اسداله نام قزاق، k51-p5-97، استادوخ.
- تلگراف ورثه حاجی رستم جزی درمورد گفت‌وگوی حقوقی خود با بانک استقراضی بندرگز، ۴/۶۸/۳۶/۱/۲۲، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام).

- تلگراف شکایت از تصرف املاک غیرخالصه توسط نظامیان روس، ۲۴/۳/۲۶۵۶، مجموعه اسناد مؤسسه فرهنگی میرداماد گرگان.
- تلگراف درمورد تصرف املاک در بندرجز؛ تظلم‌نامه و درخواست رفع تعدی، ۱۴/۳/۲۶۵۸، مجموعه اسناد مؤسسه فرهنگی میرداماد گرگان.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۳۵). *گنج‌شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*. برلین: کاوه.
- جهانشاهی، عبدالعلی و دیگران (۱۳۳۸). *تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران*. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- دانشنامه گلستان* (۱۳۹۵). به اهتمام مؤسسه فرهنگی میرداماد گرگان. جلد ۱. گرگان: بی‌نا.
- دهقان‌نژاد، مرتضی (۱۳۸۸). بازخوانی نقش بانک استقراضی در اقتصاد ایران. *گنجینه اسناد*. ۷۳، ۱۵-۳۲.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷). *فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها*. تبریز: نیما.
- رابینو، ه.ل. (۱۳۶۵). *مازندران و استرآباد*. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. چاپ سوم. بی‌جا: علمی و فرهنگی.
- رجایی، رحمت‌الله (۱۳۹۸). *استعمار در دیار سبز: روس‌ها و انگلیس‌ها در استرآباد*. تهران: سوره مهر.
- زینوف، ایوان الکسیویچ (۱۳۶۲). *انقلاب مشروطیت ایران؛ نظرات یک دیپلمات روس؛ حوادث ایران در سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱*. ترجمه ابوالقاسم اعتصامی. بی‌جا: اقبال.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۸۹). *تاریخ ایران*. ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی. جلد ۲. چاپ هفتم. تهران: افسون.
- سپهر، احمدعلی (۱۳۳۶). *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴*. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۸۶). *مرآت‌الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک‌المورخین*. تصحیح عبدالحسین نوائی. جلد ۱. تهران: میراث مکتوب.
- سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان* (۲۵۳۵). به کوشش مسعود گلزاری. بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۱). *تاریخ بانک استقراضی روس در ایران*. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- عزالدوله و ملکونوف (۱۳۶۳). *سفرنامه ایران و روسیه*. به کوشش محمد گلبن و فرامرز طالبی. تهران: دنیای کتاب.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستره.
- فصیحی‌زاده، اعظم و ابطحی، علیرضا (۱۳۹۳). *تحلیلی بر چگونگی تشکیل و عملکرد بانک استقراضی روس در ایران، فصلنامه تاریخ پژوهی*. ۵۹، ۱۹۷-۲۲۹.
- فلور، ویلم (۱۳۹۲). *صنایع کهن در دوره قاجار (۱۹۲۵-۱۸۰۰)*. ترجمه علیرضا بهارلو. تهران: پیکره.
- کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان فرهنگ جغرافیایی ایران (خراسان) (۱۳۸۰). ترجمه کاظم خادمیان. مشهد: آستان قدس رضوی.
- کاظم‌بیک، محمدعلی (۱۳۹۸). *روابط اقتصادی ایران و روسیه از آغاز تا سقوط قاجاریه*. تهران: وزارت امور خارجه.

- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱). روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴. ترجمه منوچهر امیری. تهران: انقلاب اسلامی.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی. جلد ۱ و ۲، چاپ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی.
- کتاب نارنجی (۱۳۶۷). ترجمه حسین قاسمیان. به کوشش احمد بشیری. جلد ۱. چاپ دوم. تهران: نور.
- گزارش ایران از یک سیاح روس (۱۳۶۳). ترجمه سیدعبدالله. به اهتمام محمدرضا نصیری. تهران: کتابخانه طهوری.
- لیتن، ویلهلم (۱۳۶۷). *ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی (۱۸۶۰-۱۹۱۹ م)*. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: معین.
- ماتویف، آ.م. (۱۳۸۶). *تاریخ مبارزات سیاسی - اجتماعی در استرآباد (عصر مشروطه)*. ترجمه محمد نایب‌پور. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۴). *چهل سال تاریخ ایران*. تصحیح ایرج افشار. جلد ۲. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). *شرح زندگانی من؛ یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. جلد ۱. چاپ پنجم. تهران: زوار.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۸۴). *انقلاب مشروطه در استرآباد*. جلد ۱ و ۲. تهران: حروفیه.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۹۴). *تاریخ و پیشینه اجتماعی شهرستان بندرگز*. گرگان: نوروزی.
- مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹). *سفرنامه شمال*. ترجمه منصوره اتحادیه. تهران: گستره.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۳). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. جلد ۶ و ۷. تهران: علمی.
- ملگونف، گریگوری ولریانوویچ (۱۳۷۶). *کرانه‌های جنوبی دریای خزر*. ترجمه امیرهوشنگ امینی. تهران: کتاب‌سرا.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی‌خان (۱۳۶۲). *خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی*. تصحیح منصوره اتحادیه و دیگران. جلد ۳. چاپ دوم. تهران: تاریخ ایران.
- نصرت‌الدوله: مجموعه مکاتبات، اسناد و خاطرات فیروز میرزا فیروز (۱۳۹۶). به کوشش منصوره اتحادیه و سعادت پیرا. جلد ۱. تهران: تاریخ ایران.
- نورائی، مرتضی و آندریوا، النا (۱۳۸۸). *مهاجران روس و اسکان آن‌ها در ایران اوایل قرن بیستم: مرحله دیگری از استعمار*. پژوهش‌های تاریخی، ۴، ۲۱-۳۶.
- وکیل‌الدوله، حسینقلی مقصدلو (۱۳۶۳). *مخابرات استرآباد؛ گزارش‌های حسینقلی مقصدلو وکیل‌الدوله*. به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت. جلد ۱. تهران: تاریخ ایران.